

با عشق ممکن می شود/ دو معتاد بهبودیافته پای سفره عقدنشستند

سمانه و سعید دو معتاد بهبودیافته هستند که پای سفره عقد نشستند و پیمان یگانگی بستند.

به گزارش ایسکانیوز، آنها که سال ها درگیر اعتیاد و کارتن خواب بودند، معتقدند: من همان ناممکنم که با عشق ممکن شدم. نشانی محل برگزاری مراسم عروسی، سرای نور جمعیت طلوع بی نشان ها است. جلوی در با بادکنک های رنگی آبی و سفید تزئین شده است. آهنگ شادی از باندها در حال پخش است که یکی فریاد می زند: عروس و داماد رسیدند. عروس رخت سفید به تن دارد و دسته گلی پر از گل های سفید بنفش به دست گرفته است. داماد کت و شلوار سرمه ای به تن کرده و با عزت و احترام تا اتاق عقد بدرقه می شوند. مهمانان کل می کشند و دست می زنند. سمانه و سعید حالا پای سفره عقد صورتی رنگ شان نشسته اند تا صیغه محرمیت میان آنها جاری شود.

بله بهبودی پای سفره عقد

روحانی حاضر در مجلس منتظر است تا بله را از عروس بگیرد. اما به گفته دوستانش او رفته گل بچیند و گلاب بیاورد. سرانجام اما عروس قصه ما به آقا داماد بله می گوید و تصویر لبخند و همبستگی آنها پای سفره صورتی رنگ شان در تاریخ ثبت می شود. شاید سال ها قبل سمانه و سعید خواب چنین روزی را هم نمی دیدند. خوابی که امروز با کمک اعضای جمعیت طلوع بی نشان ها برای این زوج محقق شده است. آنها دو بیمار به اعتیاد بودند که امروز بهبود یافته و توانسته اند، غول اعتیاد را شکست و سلامتی را به بدنشان هدیه دهند.

هنوز در اتاق عقد غوغایی برپا است. اکبر رجبی معروف به عمو اکبر، موسس جمعیت طلوع بی نشان ها به همه خوش آمد می گوید و برای عروس و داماد آرزوی خوشبختی می کند. اقوام عروس که امروز از بهبودی سمانه لبخند شادی به لب دارند، کادوهای خود را به این زوج می دهند، عکس یادگاری می گیرند و بعد نوبت می رسد به دوستان و آشنایان.

از کمدمی که در اتاق عقد است کادوها بیرون می آید و به دست عروس و داماد داده می شود. آنها به رسم ادب تشکر می کنند. عده ای از خانم ها برای شادی عروس آهنگ می خوانند و دست می زنند.

بزرگترها پای سفره عقد دعا می کنند که این شادی قسمت دیگر دختران جمع نیز شود. خیلی از آنها به خاطر اعتیاد از جامعه طرد شده و وقتی به جمعیت آمدند حال و روز خوشی نداشتند اما امروز توانسته اند اعتیاد را کنار گذاشته و برای آینده ای روشن امید داشته باشند.

آرزویم دیدن دوباره خانواده ام است

بعد از یک ساعت بالاخره عروس و داماد سرشان خلوت می شود و فرصت پیدا می کنم دقایقی پای صحبت های آنها بنشینم. عروس خودش را اینطور معرفی می کند: سمانه هستم. یکی از بچه های سرای مهر طلوع بی نشان ها. پس از آن نوبت به داماد می رسد. من هم سعید هستم. از سرای امید طلوع بی نشان ها.

سعید می گوید: من به واسطه بیماری (اعتیاد) که داشتم روزگار خیلی سختی را پشت سر گذاشتم که دیگر علاقه ای به بیان آن ندارم. سعید ۲۰ سال درگیر و دچار اعتیاد بود. به گفته خودش شرایط و زمانه و دوستان نابابی که اطرافش بودند، همه دست به دست هم داد تا او به سمت مصرف مواد برود.

آن زمان ۱۶ سال داشتم و شرایطی که داشتم باعث شد ناخواسته وارد این در باطل شوم. همین مسئله باعث شد ۲۰ سال از زندگی ام تباہ

شود.

به گفته سعید اوایل خانواده اش در جریان نبودند اما او مصرف مواد را تا جایی ادامه داد که ورق زندگی اش برگشت و ازسوی خانواده طرد شد.

الان سعید به خاطر اعتیاد حدود ۱۳ سال است که خانواده اش را ندیده است و با آنها ارتباطی ندارد. آنها می دانند بهبود پیدا کرده ام اما شرایط گذشته به گونه ای بود که نه به آنها اجازه می دهد سمت من بیایند و نه من روی آن را دارم که سراغ آنها بروم. سعید دوست داشت در چنین روزی خانواده او نیز کنارش باشند و عروسی و پاکی اش را جشن بگیرند اما این امکان مهیا نبود. او که دلش پر می کشد برای خانواده، می گوید: آرزویم این است که حتی یک بار دیگر با خانواده ام ارتباط بگیرم. پدر و مادرم را ببینم و دستهایشان را ببوسم.

۱۷ سال در دام اعتیاد

داماد برایم تعریف می کند که به خاطر مصرف اعتیاد به جایی رسیده بود که از همه جا رانده و کارتن خواب شده بود. او می گوید: خودم ساکن مشهد بودم. به خاطر اعتیاد حدود ۸ سال در تهران غریب و تنها در شرایط بدی زندگی کردم تا اینکه یک روز عزم خود را جزم کردم تا اعتیاد را کنار بگذارم؛ شنیدم مرکزی در تهران وجود دارد که به صورت رایگان به ترک اعتیاد کمک می کند. چون هیچ پولی نداشتم.

حالا سه سال از روزی که سعید وارد جمعیت شد می گذرد. الان حدود سه سال و شش ماه و ۲۱ روز است که در این مجموعه هستم و به واسطه این مجموعه ازدواج کردم و خیلی احساس خوشبختی می کنم.

سعید و سمانه حدود یک سال پیش در طلوع با یکدیگر آشنا شدند. آشنایی ما امروز به این مرحله رسیده است و بسیار خوشحال هستیم. به اینجای صحبت که می رسیم، سمانه می خندد. به نظر می رسد او هم از انتخاب خود راضی است. سمانه هم ۱۷ سال بود که درگیر اعتیاد شده بود. او هم علاقه ندارد زیاد به گذشته اش اشاره کند و من هم چیزی نمی پرسم. سمانه می گوید: به خاطر خلاهایی که در زندگی ام احساس می کردم به دام اعتیاد افتادم.

به گفته عروس جوان، او چندین بار برای ترک اعتیاد اقدام کرد اما روش هایی که برای ترک پیش گرفته بود، روی او جواب نداد. سمانه توضیح می دهد: هر کمپ و دکتری که فکر کنید رفتیم اما جواب نداد. یا از روی اجبار این کار انجام می شد یا من بلد نبودم ترک کنم. تا اینکه در یکی از سه شنبه شب ها که جمعیت طلوع عادت دارد در میان افراد معتاد و کارتن خواب غذا پخش کند با آنها به واسطه گرفتن غذا آشنا شدم.

سمانه مدتی بود که کارتن خواب شده و حدود ۹ سال بود که از خانواده اش خبر نداشت. به خاطر اعتیاد دوست نداشتم سمتشان برگردم. خجالت می کشیدم. باید هر طور شده ترک می کردم. تا اینکه دو سال پیش وارد جمعیت شدم و متوجه شدم شیوه آنها برای ترک با جاهای دیگر فرق دارد.

سمانه ادامه می دهد: اولین حسی که طلوع به من داد، حس امنیت بود. اینجا باورم کردند. این باور باعث شد به خودم تلنگری بزنم که این سری با سری های دیگر فرق دارد و می شود به آدم های طلوع اعتماد و روی حرف شان حساب کرد. این شد که ماندم و ترک کردم.

من با عشق ممکن شدم

سمانه و سعید با وجود این که ترک کرده اند اما قرار است ارتباط خود را با طلوع حفظ کنند. سمانه می گوید: من خودم از خدمتگزاران این مجموعه هستم و تصمیم دارم بعد از ازدواج از صبح تا غروب کار کنم و پس از آن به خانه خودم بروم.

سعید هم در تکمیل صحبت های همسرش می گوید: من باوری که برای خودم درست کردم این است که بدون اینجا نمی تونم زندگی کنم و اگر جدا شوم شاید ناخواسته به مسیر اشتباه قبلی برگردم. می خواهم هرکاری که از دستم بیاد برای بقیه دوستانم در طلوع انجام دهم.

در این لحظه عروس به بیت آخر شعری که خودش سروده اشاره می کند و می گوید: من همان ناممکنم که با عشق ممکن شدم. سعید هم با بیان این که اعتیاد بیماری است و افراد معتاد با کمک و حمایت دیگران می توانند به این بیماری غلبه کرده و به زندگی بازگردند، می گوید: اگر هر فردی خودش بخواهد، می تواند هر کاری را انجام دهد. من روزی باورم این بود که اعتیاد را نمی شود کنار گذاشت ولی خواستم، به من کمک شد و تا این مرحله پیش آمدم. پس اگر دیگران هم بخواهند می توانند.

دوباره می شود برگشت

تا اذان و لحظه افطار چیزی باقی نمانده است. عروس و داماد بخشی از عکس هایشان را گذاشته اند بعد از اذان. آنها هنوز غسل دهان هم نگذاشته اند.

قرار است شهردار تهران هم به مراسم بیاید اما تا آخرین لحظه انتظاراتها برای ورود شهردار بی نتیجه می ماند و شهردار نمی آید. از میان مسئولان اما حبیب الله مسعودی فرید، معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی، در مراسم حضور می یابد.

به گفته وی، هیچ پایانی وجود ندارد و همیشه می شود از نو شروع کرد و با این اقدامات می توان به بقیه نشان داد که زمان برای شروع وجود دارد. در این میان حضور مردم، مسئولان و خیران در مراسم می تواند به ادامه این روند و تشویق بقیه برای ترک اعتیاد کمک کند. مسعودی فرید ادامه می دهد: وقتی فرآیند بهبودی درست می شود غیر از تغییراتی که خود فرد در نگرش، جسم و روح و روان خود انجام می دهد، باید در روند بهبودی یکسری تاثیرات مثبت از محیط هم بگیرد. نشان بدهیم که این محیط حمایت گر وجود دارد و کمک می کند افراد به زندگی عادی خود برگردند. باید بدانیم این روند به یکباره اتفاق نمی افتد و فرایند است.

به گفته مسعودی فرید، اعتیاد یک بیماری روانی مزمن مانند بسیاری از بیماری های دیگر است و باید محیطی حمایتگر وجود داشته باشد. در این میان حضور هنرمندان و مسئولان که جنبه الگوپذیری دارند می تواند این باور را در آنها به وجود آورد که از آنها حمایت می شود.

معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی درباره نقش این سازمان برای حل معضل اعتیادگفت: بهزیستی در ایجاد نگرش جدید در مورد موضوع اعتیاد پیشگام بوده است. بهزیستی بسیاری از این مراکز را راه اندازی کرده اما معتقدیم بیش از پیش در زمینه پیشگیری باید فعالیت داشته باشیم.

وی گفت: در این میان، نقش نهادهای آموزشی مثل آموزش و پرورش و رسانه بسیار مهم است. این درحالی است که بهزیستی باید در حوزه معتادان، در مسیر ارتقای کیفیت خدمات گام بردارد و نوآوری و خلاقیت داشته باشد که ما به آن رویکرد مدیریت مورد می گوئیم. مسعودی فرید به نقش اثرگذار خانواده ها در بهبود اعتیاد اشاره کرد و گفت: من فکر می کنم خانواده های افراد دارای اعتیاد، خیلی زحمت می کشند اما ممکن است یک جایی ببرند و نتوانند حمایت کنند. به همین دلیل ما باید نقش تسهیل گرانی که می توانند بین فرد و جامعه ارتباط برقرار کنند را پررنگ تر کنیم. در اینجا نقش مددکار اجتماعی متخصص عرصه اعتیاد مطرح می شود و اگر روی این موضوع سرمایه گذاری کنیم و مددکاران اجتماعی به عنوان بازپیونددهندگان افراد دارای اعتیاد و درحال بهبودی با خانواده و جامعه پیرامون این افراد، نقش فعال تر و حرفه ای تری داشته باشند، می توانیم شاهد اتفاقات بهتری باشیم؛ فکر می کنم جای آنها در این عرصه خالی است. معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی یادآور شد: همیشه راه بازگشت وجود دارد هرچند این راه سخت باشد. فصل بهار رویش دوباره درختان و گیاهانی است که به نظر می رسد که حیاتی در آنها وجود ندارد اما این نشانه ای از خدا در طبیعت است که نشان می دهد رویش دوباره همواره وجود دارد.

ایرنا

انتهای پیام/